نامه مجلس به محمد علی شاه: به تاریخ 15 جمادی الاول 1336 هجری قمری

بشر فعرض سدهء سنیهء اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد اله ملکه و سلطانه‏ در حالتیکه از دولت چندین هزار ساله ایران نمانده بود مگر اسمی بلا مسمی و قوای‏ حیاتیهء آن با تسلط خارجه و جهل و بی‏قیدی داخله باسفل مراتب سقوط رسیده سلاسل امنیت و استقلال آن منتهی شده بود به موئی موسوم به اراده ملوکانه که آنهم در مقابل تندباد اغراض‏ اجانب سفیل و سرگردان رو به مخاطرات عظیمه سیر مراتب مضره مینمود،چون مشیت خداوندی‏ منشور اضمحلال آنرا امضاء نفرموده بود،ندای غیبی اسلامیت و ایرانیت افراد اهالی را از خواب غفلت‏ بیدار و براهی هدایت فرمود که هادی عقل و تجربه در طی مراحل تاریخ اختیار نموده لهذا یکباره خاص و عام مملکت باوجود اختلاف مدارک پی به مخاطرات و مهالک برده بیک حرکت‏ غیورانه از فضاحت بی‏حسی خود را دور ساخته متنبه باین دو اصل اصیل استقلال ملیت و استحکام‏ قومیت شدند که(قوای مملکت ناشی از ملت استی)و(سلطنت ودیعه‏ایست که بموهبت الهی‏ از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده است)لاجرم خواستار تغییر مسلک سلطنت شدند و اعلیحضرت‏ شاهنشاه مبرور انار اللّه برهانه با امضای فرمان مشروطیت و اعطای سعادت حریت منتی بزرگ بر ملت نهاده نام خود را برحمت ابدی زینت تاریخ ایران ساختند.

ولی تکمیل این عطیت و تتمیم این موهبت را روزگار برای تقدیس و تکریم نام نامی‏ اعلیحضرت همایونی ذخیره کرده بود این است که مساعدت بخت بلند و صالع ارجمند همایونی در اواخر ولایت عهد و اول جلوس میمنت مؤنوس رضای شاهانه را بتصدیق مشروطیت جالب شده و در 27 ذیحجه 1324 به اکمال نواقص قانونی اساسی فرمان دادند.

در صورتیکه جهانیان منتظر بودند از این تجاذب حقیقی که بین پادشاه و رعیت حاصل‏ و با این سرمایه سعادت که بتوفیقات خداوندی کامل گردید آثار ترقی و تمدن بسرعتی که شایستهء نجابت ملی و فطانت جبلی ایرانیان است ظاهر و موجبات امن و آسایش عمومی فراهم گردد روزبروز اغتشاش ولایات،ناامنی طرق و شوارع و انقلابات سرحدات زیادتر و در خود پایتخت که در تحت‏ نظر مستقیم اعلیحضرت شاهنشاهی و هیئت دولت و مجلس شورای ملی است وقایعی بس ناگوار اتفاق افتاد که اگر در صور و علل آنها شور دقیق و غور عمیق بعمل آید هریک از آنها لکهء مبرمی است که از انتساب آن به ادنامقربین دربار هرچند قلم ایرانی را شرم آید تاریخ که در محور حقایق متحرک لایزال است بدبختانه در ثبت و ضبط آن شرم و ترحم نخواهد داشت.

تعداد آن قبایح و تذکار آن فضایح را چه حاجت که اجتماعات حضرت عبد العظیم واقعه‏ میدان توپخانه و غیره و غیره هنوز در السنه و افواه مثل سال طاعون و وبا در عداد تواریخ بد بختی این مملکت مذکور و مرکوز اذهان است.از اثرات آن اتفاقات فضیحه هنوز دلهای رمیدهء رعیت آرام نیافته و جراحتهای وارده بر قلوب ملت کاملا التیام نپذیرفته بود که باز مفسدین بی‏ ایمان امان نداده برای اخلال روابط بین پادشاه و رعیت وقایع چند روز قبل را حاضر و احوال‏ ماه ذی قعده را بوجهی شدید تکرار و در ظرف دو روز از حاصل زحمات دو ساله قسمت کلی را بهدر داده از جمل اصول نهم دهم دوازدهم چهاردهم و بیست و سوم را که روح قوانین اساسی‏ است نقض نموده مجددا نونهال امید را که بهزاران آب تدبیر و خون دل در قلوب رعایا می‏روید از بیخ و بن برانداخته بجای آن یاس و حیرت و باس و شدت نشاندند مخصوصا در موقعیکه سرحدات‏ مملکت دچار مخاطرات عظیمه است نفاق خانه برانداز خانگی را باین شدت حادث نمودند که‏ خاطر مقدس همایونی را مثل مساعی وکلای ملت و وزرای دولت و قوای مادی و معنوی ملکت را که ناشی از اطاعت رعیت است مشغول همدیگر سازند و بر مقاصد سوء خودپردازند.

بدیهی است که دوام اینحال ملازم است با اضمحلال دولت قویم و قدیم ایران و ایرانی‏ مسلمان که بمدلول فرمان قضا جریان استاد ازل از آب حیات حب الوطن من الایمان آب خورده‏ و با بیداری حواس بطور خاص تشنه حفظ حقوق خویش است تحمل نخواهد داشت که ایران و اسالم خود را با هرچه در او هست آلت بازیچه چند مفسد درباری ببیند.

دستخط همایونی که روز جمعه بر تفرقه معدودی رعایا که بطور صلح و سلم جبر کسور واقعه بر قوانین اساسی و اعاده حقوق رفته خویش را متظلما استدعا میکردند بهر تدبیر و اصرار بود از طرف مجلس شورای ملی که در طی تمامی طرق چارهء مساعی است بموقع اجرا گذارده شد ولی‏ این اقدام و امثال آن از قبیل سرشک از رخ پاک کردن است در حالتیکه خون دلها در فوران و کلیهء ایران در هیجان است و نقض قوانین اساسی از شمال تا جنوب و از مشرق تا مغرب ایران را با ناله‏ و افغان پر کرده که اگر این ناله و فریادها یکجا جمع شود خدای نخواسته چه آهنک مخالفتی‏ از آن ظهور تواند کرد.

بالجمله تکلیف بر وکلای ملت خیلی سخت شده انتظار مردم طهران و فشار ولایات در اعادهء احترام قوانین و اصلاح کلی امور آن بآن در تزاید و فرصت و مجال را از دست میبرد.